



گونه‌ها و ساحت‌های مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین

صدیقه رمضانی تمیجانی^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

چکیده

مطالعه نوع مشارکت در مناسک عاشورایی در جوامع شیعی به دلیل آمیختگی شدیدی که با وجدان جمعی پیروان این مذهب دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. مطالعه آئین پیاده‌روی اربعین، که در سال‌های اخیر تحولات شگرفی را به خود دیده و به یک پدیده اجتماعی و فرهنگی ویژه و چندوجهی تبدیل شده است، جایگاه و اهمیتی دوچندان دارد. از این رو، این مقاله توصیف و تحلیل ساحت‌ها و گونه‌های مشارکت جمعی پدیده پیاده‌روی اربعین را مورد توجه قرار داده است. برای نیل به این هدف ۱۷ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خادمین و موکب‌داران ایرانی به‌عنوان گروهی که بیشترین سطح و حوزه درگیری را با این پدیده در نسبت با مشارکت‌کنندگان دیگر دارند انجام داده است. بررسی و واکاوی محتوای مصاحبه‌ها، که با کمک ترکیبی از روش‌های تحلیل مضمون و نمونه‌سازی آرمانی صورت گرفت، پس از سه مرحله کدگذاری، ما را به ۱۰ مضمون در نسبت با ساحت مشارکت و ۱۲ مضمون در نسبت با گونه مشارکت رساند. در نهایت این نتیجه حاصل شد که در پیاده‌روی اربعین با گونه‌ای منحصر به فرد از مشارکت مواجه هستیم.

کلیدواژه‌ها: مناسک عاشورایی، گونه‌شناسی، پیاده‌روی اربعین، مشارکت جمعی

۱. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران

ramezani@tsi.ir ✉

۱. مقدمه

مشارکت مفهومی مهم و پردامنه در علوم اجتماعی است تا جایی که برخی نظریه‌پردازان همچون هربرت اسپنسر، مشارکت را جوهره زندگی اجتماعی نامیده‌اند و شماری از نویسندگان معاصر، دوران حاضر را عصر مشارکت نامیده و آخرین نسخه برای کشورهای توسعه‌نیافته را توسعه مشارکتی عنوان کرده‌اند. در این میان، مطالعه مشارکت دینی یا به عبارتی مشارکت در پدیده‌های مرتبط با دین و با انگیزه‌های برآمده از دین برای جوامعی چون جامعه ایرانی که دین در فرهنگ آن عنصری مهم و محوری است و نقش برجسته و پررنگی ایفا می‌کند، اهمیت زیادی دارد. یکی از انواع مشارکت دینی، مشارکت در مناسک است و آئین پیاده‌روی اربعین نمونه خوبی برای مطالعه این موضوع است. به‌ویژه که این آئین به سبب تحولات اخیر به پدیده چندوجهی و کلان‌مقیاس تبدیل شده و از وجوه مختلفی چون جمعیت مشارکت‌کننده، ضریب نفوذ، دامنه و گستردگی میان ملل مختلف از زوایا و مناظر مختلف پژوهشی شایسته توجه محسوب می‌شود.

اما تجربه مشارکت را چگونه و با کمک چه مفاهیم و مقولاتی می‌توان به درستی فهم و توصیف کرد؟ بی‌شک فهم مشارکت جدای از مطالعه ابعاد ذهنی و معنایی و خصایص ذاتی و ماهوی، نیازمند توجه و فهم گونه‌های مشارکت‌کننده و عرصه‌ها و ساحت‌های مشارکت نیز هست. در واقع، یکی از راه‌های شناخت تجربه‌های مشارکت، بررسی آن در تطبیق با گونه‌شناسی‌های موجود است. در این مقاله، برای فهم مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین مروری بر انواع مشارکت خواهیم داشت و به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد: (۱) چه کسانی در پیاده‌روی اربعین مشارکت می‌کنند؟ (۲) در چه چیزی مشارکت می‌کنند؟ سپس از میان مصاحبه با موبدداران و خادمین ایرانی میزان تطبیق‌پذیری این انواع مشارکت را با مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین دنبال خواهیم کرد. از آنجا که اندک تأملی در فضای مفهومی واژه مشارکت در علوم اجتماعی، ما را به سرعت به مفاهیم مشابهی چون همکاری^۱ می‌رساند، شماری از گونه‌شناسی‌هایی که در مقاله مرور می‌شود، معطوف به این مفهوم خواهد بود.



۲. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات بسیاری در موضوع اربعین صورت گرفته و نشر داده شده است. تعدد این موارد مانع از ذکر و مرور خلاصه نتایج همه آنهاست. به علاوه، از میان این همه، تنها شمار معدودی رویکرد اجتماعی داشته و از میان این معدود نیز تعداد انگشت‌شماری تحلیل و بررسی خود را از سطح گمانه‌زنی نظری ارتقاء داده و به گردآوری و استناد به داده‌های تجربی اهتمام داشته‌اند. از میان این مطالعات تجربی نیز تنها چند مورد رویکرد گونه‌شناسی را دنبال کرده‌اند که در ادامه به ذکر خلاصه نتایج آنها می‌پردازیم.

رضوی‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان نوعی گونه‌شناسی از تفسیر زائران پیاده‌روی اربعین از تجربه زیسته خود در قالب سه مضمون و با استفاده از مردم‌نگاری و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته اصلی انجام داده است. این سه مضمون عبارت‌اند از: (۱) تجربه تعلیق امر مادی و روزمره با سه مضمون فرعی تعلیق عقلانیت ابزاری، تعلیق قشربندی اجتماعی و ادراک امر قدسی و غیبی؛ (۲) رنج مقدس در سه معنای عمده چشم‌داشت به پاداش، احساس تعلق هویتی به اجتماع مذهبی و اعلان عملی باور به عقیده مذهبی با بازسازی تجربه تاریخی رنج‌آلود؛ و (۳) برانگیزانندگی عاطفی.

پویافر (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی الگوی فعالیت‌ها و تجربه خیر دینی در آئین پیاده‌روی اربعین با استفاده از روش پژوهش کیفی و تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده مشارکتی پرداخته و هفت نوع فعالیت خیر دینی در خدمات‌دهی داوطلبانه به زائران را شناسایی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که الگوی کلی فعالیت‌ها و خدمات عراقیان و ایرانیان، به‌رغم شباهت‌های کلی در الگو و تنوع در فعالیت‌های ارائه‌شده، تفاوت‌های اساسی دارد؛ این تفاوت‌ها از جمله در الگوی مدیریت و تأسیس موب‌ها، نقش حکومت در سازماندهی اجرایی اربعین، انگیزه‌های سیاسی و انقلابی از فعالیت‌های خیر دینی و میزان رقابت برای خدمت‌رسانی مشاهده شده است.

پویافر (۱۳۹۷) در پیمایشی به بررسی گونه‌های تجربه زیارت در آئین پیاده‌روی اربعین پرداخته و نشان داده است ۷۵/۱ درصد زائران معتقد بودند که تمام کسانی که به پیاده‌روی اربعین آمده‌اند، از طرف امام حسین (ع) طلبیده شده‌اند. ۶۶/۹ درصد از پاسخگویان



گفته‌اند که همیشه یا در اغلب موارد تلاش دارند که خود را به ضریح برسانند. این در حالی است که تنها ۲۰/۳ درصد از آنها بر این باور بودند که قبولی قطعی دعا فقط زیر قبه امام حسین (ع) است و بقیه نقاط حرم این خاصیت را ندارد.

انگوتی (۱۳۹۷) در پاسخ به این سؤال که زنان ایرانی چگونه و با چه دلایلی در پیاده‌روی اربعین مشارکت می‌کنند، ۲۰ مصاحبه عمیق با زنان ایرانی شرکت‌کننده انجام داده و سپس به تحلیل مضمونی آنها پرداخته و چگونگی حضور را در پنج دسته طبقه‌بندی کرده است: (۱) نحوه همراهی حضور؛ (۲) نحوه ظاهری حضور؛ (۳) نحوه مشارکت فرهنگی؛ (۴) نحوه مشارکت اجتماعی؛ و (۵) نحوه مشارکت علمی. همچنین دلایل حضور را نیز در پنج رویکرد جای می‌دهد: (۱) مهدویت و آخرالزمان؛ (۲) تربیتی و اخلاقی؛ (۳) روحانی و معنوی؛ (۴) فرهنگی؛ و (۵) مذهبی و دینی.

همان‌طور که مشاهده شد، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به مقوله‌گونه مشارکت نپرداخته‌اند؛ بلکه به گونه‌شناسی مشارکت‌کنندگان پیاده‌روی اربعین اتمام داشته‌اند؛ آن هم بیشتر از منظر انگیزه و معنای مشارکت. بنابراین، تمایز این مقاله به لحاظ مسئله آن است که قصد دارد انواع مشارکت در پیاده‌روی اربعین را معرفی کند و امتیاز این مقاله به لحاظ محتوایی نیز تأکید بر مشارکت جمعی^۱ به‌عنوان نوعی کنش جمعی^۲ است که طی آن افراد هویت جمعی جدیدی یافته و برای رسیدن به هدف مشترک با یکدیگر در مجموعه‌ای از فعالیت‌ها همکاری مستمر دارند و این همکاری خود باعث تولید و بازتولید هویت پدیده نیز خواهد شد. از این‌رو، واحد تحلیل در مطالعه مشارکت جمعی شامل گروهی از افراد است که نه تنها از پدیده تحت مطالعه هویت می‌گیرند بلکه به آن هویت نیز می‌بخشند و از این‌رو، جریان اصلی قلمداد می‌شوند و لازم است که در مطالعه آنها را از جریان‌های فرعی و حاشیه‌ای تفکیک کرد تا برای شناخت گونه مشارکت در پیاده‌روی اربعین گرفتار برجسته‌سازی ویژگی‌هایی نشویم که در هویت و ماهیت اصلی پدیده نقش ایفا نمی‌کنند.



1. collective participation
2. collective action

۳. واکاوی مفهومی و بررسی انواع مشارکت

مشارکت معادل اصطلاح participation است. این کلمه از ریشه part به معنی قسمت، جزء و بخش گرفته شده و از ریشه لاتین participia به معنای سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است (یزدان‌پناه، ۱۳۸۶، ۱۰۶). مشارکت در علوم اجتماعی اشاره به همه راه‌هایی دارد که مردم از طریق آنها در جهان‌های اجتماعی درگیر می‌شوند. مشارکت اجتماعی^۱ به معنای انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است و معمولاً از طریق عضویت در انجمن‌ها، کانون‌ها و سایر نهادهای اجتماعی اندازه‌گیری می‌شود (اخشی، ۱۳۹۴، ۱۴۹؛ موسوی، ۱۳۸۵، ۸۹). این مفهوم غالباً در ادبیات مربوط به توسعه و سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما مشارکت جمعی^۲ اشاره به نوعی کنش جمعی^۳ دارد که طی آن افراد هویت جمعی جدیدی یافته و برای رسیدن به هدف مشترک با یکدیگر در مجموعه‌ای از فعالیت‌ها همکاری می‌کنند. در واقع به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲، ۱۳۸۲، ۱۲). برای مشارکت جمعی، انواع و گونه‌های مختلفی معرفی شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم و دلیل اینکه پیاده‌روی اربعین را نوعی مشارکت جمعی، و نه اجتماعی، می‌دانیم را در بخش چارچوب مفهومی با توضیح شکل‌گیری هویت جمعی برای رسیدن به یک هدف بیان خواهیم کرد.

۳-۱. همکاری ساده و پیچیده

از نخستین متفکران اجتماعی که از دو نوع همکاری بدون تقسیم کار و با تقسیم کار سخن می‌گویند، ابن‌خلدون است که بعدها جامعه‌شناسان آن را در دو گونه همکاری ساده و غیرساده نشان داده‌اند:

همکاری ممکن است متضمن تقسیم‌کردن وظایف مختلف باشد یا خیر. چند تن که به اتفاق کنده سنگینی را از زمین برمی‌دارند، نمایشگر نوع ساده همکاری هستند. مع الوصف، غالب اوقات همکاری متضمن تقسیم‌کار است، بدین معنی که اشخاص

1. social participation
2. collective participation
3. collective action



مختلف کارهای مختلفی را انجام می‌دهند و هماهنگی این کارها موجب تحقق پذیرفتن مقصودی مشترک می‌گردد» (روسکوارن، ۱۳۵۳، ۶۵ به نقل از فرهادی، ۱۳۸۱، ۱۰۷).

۳-۲. همکاری داوطلبانه و اجباری

از نظر اسپنسر صفت شاخص جامعه جنگجو آن است که واحدهای ترکیب‌کننده آن به زور وادار به اعمال مشترک می‌شوند و اراده هر شهروندی در این‌گونه جوامع، از امور شخصی گرفته تا عمومی، تابع اراده حکومت است و همکاری در این جوامع همکاری اجباری است؛ برعکس، در جامعه صنعتی همکاری داوطلبانه بوده و بر پایه خویشتن‌داری فردی استوار است:

این جامعه با همان آزادی فردی‌ای شاخص می‌شود که در هر نوع معامله بازرگانی برقرار است. همکاری‌ای که فعالیت‌های ناهمگون جامعه را برقرار نگه می‌دارد، یک همکاری داوطلبانه است (کوزر، ۱۳۹۲، ۱۴۱).

۳-۳. همکاری مستقیم و غیر مستقیم

مک ایور نیز همکاری را به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌کند:

در نوع اول اشاره به مشارکتی دارد که گروهی از افراد یک امر یا فعالیت واحد و مشابه را با هم انجام می‌دهند و ارتباط مستقیم بین افراد همکاری‌کننده و بهره‌برداری مستقیم از فعلیتی که انجام می‌شود، وجود دارد. در نوع دوم، افراد امور یا فعالیت‌های متعدد و متفاوت و طبعاً غیر مشابه را صورت می‌دهند و افراد ارتباط بی‌واسطه و همچنین بهره‌وری مستقیم از حاصل کار یکدیگر ندارند، بلکه از نتایج نهایی و غایی فعالیت‌های مستقل و متفاوت یکدیگر متمتع می‌شوند... (انصاری، ۱۳۹۳، ۹).

۳-۴. همکاری غریزی، سنتی، پیمانی، هدایت شده و آنی

در دایرةالمعارف هفده جلدی علوم اجتماعی (سیلز^۱، ۱۹۷۲، ۳۸۵) به پنج نوع همکاری اشاره شده است:

همکاری غریزی. این نوع همکاری سرچشمه عقلانی و استدلالی ندارد و به صورت ناخودآگاه و تحت تأثیر رفتارهای مشترک و منافع متقابل اتفاق می‌افتد. رفتار هماهنگ و



همگام انسان‌ها در جهت یک هدف مشترک، که صرفاً زائیده موقعیت اجتماعی افراد مختلف در جامعه است، یکی از این موارد است. همچنین، همکاری‌هایی که بدون برنامه‌ریزی بین گروه‌های ملی، مذهبی، اقتصادی و یا نژادی یک جامعه که از ترس و نگرانی هر یک از این گروه‌ها از خطر مشترکی سرچشمه می‌گیرند.

همکاری سنتی. این نوع همکاری بر پایه اصول اجتماعی سنتی موجود شکل می‌گیرد که در جوامع مختلف متفاوت بوده و ریشه در مقولاتی چون هنجارهای و ارزش‌های پذیرفته شده در جامعه دارند.

همکاری پیمانی. در جامعه صنعتی نوین، خصلت همکاری غالباً پیمانی است. در این‌گونه همکاری‌ها، موافقت طرف‌های ذی‌نفع و شرایط قید شده برای همکاری، جنبه اختیاری دارند. اما در صورت عدم همکاری امضاءکنندگان، متخلفین از نظر قانونی قابل تعقیب هستند.

همکاری هدایت‌شده. تشکیلات و سازمان‌های نظامی احتمالاً کهن‌ترین و عمومی‌ترین نمونه این‌گونه همکاری است. دستور و هدایت مستقیم، این‌گونه همکاری را ممکن می‌سازد و فقط عده انگشت‌شماری از ماهیت و نتیجه نهایی همکاری باخبر بودند.

همکاری آبی: این‌گونه همکاری با تصمیم‌هایی که در موقعیت‌ها و شرایط خاص گرفته می‌شوند میسر می‌گردد و شالوده روابط نزدیک شخصی را تشکیل می‌دهد. بنیاد این‌گونه همکاری بر حسن تفاهم و دوستی است و غالباً در محیطی دوستانه می‌توان انتظار آن را داشت.

۳-۵. همیاری، دگریاری و خودیاری

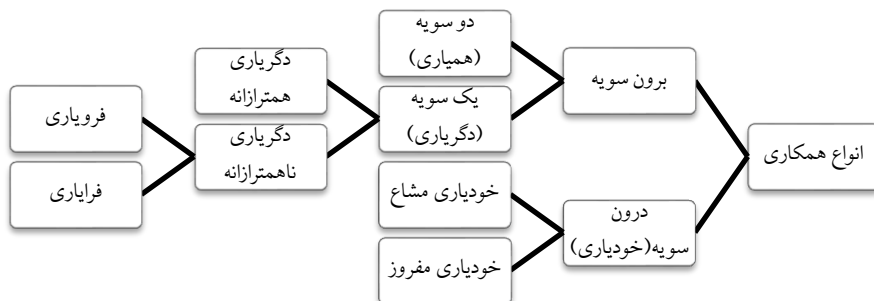
به جز طبقه‌بندی‌های مرور شده، انواع دیگری نیز پیرامون همکاری قابل‌پی‌جویی است (برای مثال، ۱۴ نوع همکاری که در کتاب درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی ذکر شده است). اما همگی این گونه‌شناسی‌ها اگرچه برخی از صفات همکاری‌ها را روشن می‌سازند، اما همچون موارد ذکر شده در بالا، همکاری را براساس ماهیت طبقه‌بندی نمی‌کنند. در واقع، ساده و مرکب، اجباری و داوطلبانه، سنتی و صنعتی و غیره اگرچه صفاتی مهم در همکاری اند، اما صفاتی ثانویه برای همکاری محسوب می‌شوند، نه صفت ممیزه و ذاتی. تنها تلاشی که سعی در ارائه گونه‌شناسی ماهوی همکاری دارد، طبقه‌بندی فرهادی براساس مطالعات





تجربیی ایشان پیرامون جوامع سنتی و بومی ایرانی به ویژه کشاورزان و روستائیان است که سه نوع اصلی همکاری یا به اصطلاح ایشان «یاریگری» را از یکدیگر باز می شناسد. این سه نوع در پاسخ به این سؤال ها حاصل آمده اند که نخست، آیا سود حاصل از همکاری، به خود شخص یاری دهنده باز می گردد یا به شخص و یا اشخاص دیگر؟ دوم، آیا همکاری بدون انتظار کمک متقابل و کمک بلاعوض است؟ و سوم، همکاری بین افراد همتراز و هم پایگاه برقرار می شود یا بین ناهمتران ناهم پایگاه؟ آیا هدف یاری گیرنده و یاری دهنده یکی است یا این اهداف حداقل در نهایت، باهم تفاوت دارند؟

در همکاری نوع اول یا دگریاری، هدف همکاری خارج از فرد یاری دهنده است (برون سویگی) و یاری دهنده انتظار کمک متقابل ندارد (یک سویگی). در همکاری نوع دوم یا همیاری، هدف همکاری خارج از فرد یاری دهنده است (برون سویگی) و یاری دهنده انتظار کمک متقابل در آینده دارد و یا این همکاری پاسخ به کمک گذشته یاری گیرنده است (دوسویگی)؛ در همکاری نوع سوم یا خودیاری، هدف همکاری خارج از فرد یاری دهنده نیست (درون سویگی). به عبارت دیگر، یاری دهنده از یاری گیرنده جدا نبوده و با او یکی است. در واقع فرد برای خود کار می کند، اما این عمل را در گروه انجام می دهد و از مزایای کار گروهی بهره می گیرد. در رسم زیر توضیحی بر انواع سه گانه بیان شده دیده می شود (فرهادی، ۱۳۸۱، ۱۱۶-۱۱۴).



نمودار شماره (۱). انواع یاری گری

خودیاری در این الگو شامل دو نوع مفروز و مشاع است. خودیاری مشاع، کاری اشتراکی است که منافع آن به شرکا باز می‌گردد؛ اما در خودیاری مفروز، فرد برای خود و با ابزارهای شخصی کار می‌کند و صرفاً کار را در گروه و فضای گروهی انجام می‌دهد. دگریاری نیز بسته به اینکه افراد مشارکت‌کننده در موقعیت‌های برابر و یا نابرابر قرار داشته باشند، به دو گونه همتراز و ناهمتراز تقسیم می‌شود. گونه ناهمتراز در صورت جریان یاریگری از موقعیت بالا به موقعیت پائین، فرویاری و در حالت عکس آن فریاری نامیده شده است.

۴. چارچوب مفهومی

اگر بخواهیم براساس انواع مشارکت مرور شده در بالا به بررسی گونه‌های مشارکت در پیاده‌روی اربعین بپردازیم باید پیش از هر چیز با فهم کلیت منحصر به فرد و عناصر مقومی، که جداسازی آن سبب تغییر ماهیت پدیده خواهد شد، از طریق برجسته‌سازی وجوه بنیادین پدیده در نسبت با موضوع مشارکت جمعی، امکان نظری-مفهومی تفکیک بدنه یا جریان اصلی را از جریان‌های حاشیه‌ای و خرده‌جریان‌ها را فراهم کنیم. از این رو، باید گفت پدیده پیاده‌روی اربعین در کلی‌ترین منظر و کلان‌ترین سطح، نوعی رویداد جمعی است و می‌توان از نتایج مطالعه رویدادهای جمعی و رفتار انبوه جمعیت^۱ (ریچر، ۲۰۱۱) در توضیح آن بهره گرفت. به‌ویژه نمونه‌های اخیر که نشان داده است رفتار مردم در انبوه جمعیت در مواردی، برخلاف آنچه به‌طور عام گفته می‌شد، به‌جای از دست دادن هویت پیشین و امکان کنترل کنش، با نوعی تحول شناختی از سطح فردی هویت به سطح اجتماعی همراه است. در این موارد، کنش بازتاب‌دهنده نوعی هویت جمعی است که دلیل درگیر شدن فرد در کنش جمعی را بر ساخته و به رفتار او معنا می‌بخشد (تاجفل و ترنر^۲، ۱۹۷۹؛ ترنر، هاگ، اوکز، ریچر و وترل^۳، ۱۹۸۷).

1. crowd
2. Reicher
3. Tajfel & Turner
4. Turner, Hogg, Oakes, Reicher, & Wetherell





بنابراین، هر چند دوگانه دلیل-عاطفه^۱ در توضیح انبوه جمعیت قابل توجه است، اما دیگر با آنچه در متون کلاسیک انفجار غیرعقلانی احساسات^۲ خوانده می‌شود، مواجه نیستیم. پیاده‌روی اربعین هم به دلیل دربرگیرندگی نوعی هویتی جمعی، از جمله چنین رویدادهای جمعی است و این موضوع، اولین تمایز کلیدی آن از انواع دیگر انبوهه جمعیت است. پژوهشگران متعددی (نویل و ریچر^۳، ۲۰۱۱؛ ریچر، ۲۰۱۱) به تمایز میان انبوهه جمعیت فیزیکی یا گردهمایی‌هایی که در آن افراد از نظر فیزیکی حضور دارند اما هیچ حسی از ارتباط و اتصال با یکدیگر ندارند (به‌عنوان مثال خریداران در یک خیابان بزرگ شلوغ) و انبوهه‌های جمعیت متشکل از افرادی که هم حضور مشترک^۴ و هم حس هویت اجتماعی مشترک دارند، توجه داشته‌اند. چنین هویت مشترکی در همه انبوهه‌های جمعیت اتفاق نمی‌افتد و هر جاکه رخ دهد، آثار و پیامدهایی در ارتباط با روابط میان مردم هم وجود دارد؛ همچون تغییر در صمیمیت. اعضاء شروع به همکاری، اعتماد، احترام به یکدیگر و حمایت متقابل از هم می‌کنند (ریچر و حسلم^۵، ۲۰۱۰) و به نوبه خود این موضوع سبب تسهیل کنش مشترک میان اعضا شده و سبب می‌شود افراد به شکل مؤثرتر در جهت تحقق اهداف جمع رفتار کنند (دروری^۶ و ریچر، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵). افراد به‌طور مداوم خود را با ساختار تجربه اجتماعی و احکام انتزاعی آن انطباق می‌دهند و بنابراین، هویت‌یافتگی بیشتر و قوی‌تری در نسبت با مقوله محوری معنابخش به انبوه جمعیت ایجاد می‌شود. براساس چنین منطقی، هر چند دارا بودن حسی از عضویت در جماعتی گسترده در هدایت مشارکت جمعی اهمیت دارد اما افزایش هویت یافتگی‌ای که طی تجربه هم‌حضور یا حضور مشترک رخ می‌دهد، در شکل‌دهی به کنش‌های هماهنگ میان مردم نقش بسیار مهمی دارد و پذیرش ارزش‌ها و هنجارها را تسهیل می‌کند (ون زومرن، لیچ، اسپیرز^۷ و دیگران، ۲۰۰۴).

1. the reason-emotion dichotomy
2. irrational explosions of emotion
3. Neville & Reicher
4. co-present
5. Haslam
6. Drury
7. van Zomeren, Leach & Spears

از منظری دیگر و در سطحی متفاوت و جزءنگرتر، پیاده‌روی اربعین نوعی مناسک دینی در ارتباط با زیارت مکانی مقدس به شمار می‌رود و مشارکت در آن مبتنی بر عقلانیت، عواطف و حافظه تاریخی قوام‌یافته در جماعتی از دینداران مسلمان شیعه رخ می‌دهد که آن را از سایر انواع مشارکت جمعی متمایز می‌کند. زنجیره‌های کنش رو در رو و مستقیم شکل‌یافته در این مناسک بر محور خیری درونی برآمده از ارزش‌ها و باورهای دینی و با انرژی عاطفی بالا که کنشگر را با تاریخی چندهزارساله متصل می‌کند، حیات یافته و استمرار می‌یابد که این انبوه جمعیت را از موارد مشابه غیردینی چون انبوه معترضین در تظاهرات مدنی و یا انبوه طرفداران سبک یا گروه موسیقی خاص جدا می‌کند.

بنابر آنچه مرور شد، پیاده‌روی اربعین در کلیت خود حائز سه خصلت اصلی است که در عبارت انبوه جمعیت هویت‌بخش مناسک دینی محور خلاصه می‌شود. بنابراین، آثار و پیامدهایی چون درصدی از پیش‌بینی‌ناپذیری و عاطفه‌محوری، در کنار تقویت حس هویت جمعی طی روابط رو در رو و مستقیم و همراه با صمیمیت و احترام متقابل از آن جدانشدنی است. به علاوه، به جهت دینی بودن، ما با کنش معطوف به ارزش آمیخته با انسجام اجتماعی بالا مواجه هستیم که نمایانگر دگرخواهی و ایثارگری حداکثری و حادی است که گاه حالت رقابت نیز پیدا می‌کند. از این رو، کنشگرانی که با پیاده‌روی اربعین پیوند هویتی پیدا نکرده‌اند، اغلب به صورت تصادفی و با انگیزه‌ها و اهدافی غیردینی، سطح درگیری حداقلی و بر اثر جذابیت‌های فرعی چون تجربه سفری هیجناک گونه و متفاوت و یا مشاهده مستقیم انبوه‌های کلان جمعیتی در این حرکت شرکت می‌کنند، جزو جریان اصلی محسوب نشده و خارج از تحلیل این مقاله قرار دارند.

از جمله ویژگی‌های دیگر مشارکت‌کنندگان اصلی پیاده‌روی اربعین، میل به گمنامی به شکل حاد و باورناپذیر است. گمنامی برآمده از بی‌اعتبار شدن نظم اخلاقی و سلسله‌مراتب اجتماعی پیشین که برخلاف گمنامی مدرن و شهری، نتیجه و هم‌پسته کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی نیست؛ بلکه درست برعکس، در فضای آکنده از اعتماد و احترام متقابل اتفاق می‌افتد. فضایی که در آن منبع کسب منزلت و تولید نظم اخلاقی تغییر یافته و منبعی جدید با مشروعیت فوق‌العاده معرفی می‌شود که شهرت زودگذر و تنگ‌دامنه در





زیست جهان و ارزش‌ها و هنجارهایی غریبه با مدینه فاضله اسلامی را می‌زداید. همچنین زیست جهانی آشنا مبتنی بر اصول و ارزش‌های متعالی اسلامی می‌آفریند که در آن کنشگران با حداکثر تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی یکدیگر را آشنا و حامی می‌یابند و این تجربه وجدی درونی و وصف‌ناشدنی را به همراه می‌آورد. از این‌رو، شرکت‌کنندگان فاقد چنین وجدی، مشارکت‌کنندگان اصلی پیاده‌روی اربعین نیستند و درک این وجد نیز محدود و منحصر به گروه سنی، قشر یا طبقه اجتماعی خاصی نیست. اما به نظر می‌رسد هر چه فرد در زندگی روزمره خود از زیست جهان دینی و تمنای تجربه معنوی فاصله گرفته و همراهی بیشتری با زیست جهان مدرن یافته باشد، در درک این وجد ناتوان‌تر است. بنابراین، به نظر می‌رسد مشارکت‌کنندگان پیاده‌روی اربعین را می‌توان غریبه‌های صمیمی و متحد خواند.

با نظر به تفکیک صورت‌گرفته معطوف به دسته‌بندی سه‌گانه همیاری، خودیاری و دگریاری می‌توان گفت که در پیاده‌روی اربعین با هر سه‌گونه مواجه هستیم. همیاری در نوع ارتباط موکب‌ها با یکدیگر خود را نشان می‌دهد. خودیاری، در کل، فرایند مشارکت حاکم است که فرد برای تقرّب به ساحت خداوند و ابا عبدالله‌الحسین، که نوعی کمک به خود محسوب می‌شود، در گونه‌های مختلف کنشگری در پیاده‌روی اربعین مشارکت می‌جوید. دگریاری، نیز بیش از هر چیز در فعالیت خادمین (اعم از موکب‌داران و جز آن) نسبت به زوّار (پیاده و غیرپیاده) خود را نشان می‌دهد. اما به لحاظ صفت‌های غیرماهوی دیگری که درخصوص انواع مشارکت مرور شد، در نسبت با پیاده‌روی اربعین، با انواع دیگر همکاری مواجه هستیم که عرصه‌های حضور این موارد در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است. هرچند تمام این انواع مشارکت‌ها در آئین پیاده‌روی اربعین حضور دارند، اما براساس تحلیل جریان اصلی، گونه‌هایی که با حذف آن الگوی اصلی مشارکت در این آئین فرومی‌پاشد، شامل مواردی است که در جدول مذکور به صورت برجسته نمایش داده شده است. بنابراین، می‌توان پیاده‌روی اربعین را خودیاری داوطلبانه، آئی، مفروز و مستمر معرفی کرد.

به نظر می‌رسد در داوطلبانه و مفروز و مستمر بودن مشارکت در پیاده‌روی اربعین (که به صورت سالیانه در ایام مشخصی تکرار می‌شود) شکی و ابهامی نیست؛ اما در توضیح آئی بودن باید گفت که تشخیص در لحظه نیاز زائر و یا مشکلات پیش‌آمده حین

خدمت‌رسانی و تلاش برای مرتفع ساختن آن با امکانات حداقلی موجود^۱ مهمترین ویژگی مورد توجه در این مفهوم است. عدم سازماندهی با تعیین نقش‌ها و وظایف صلب و سخت، نوعی شرایط انعطاف‌پذیر را فراهم می‌آورد که در کنار احساس مسئولیت بالای کنشگران، آنی بودن را در پی دارد.

جدول شماره (۱). انواع مشارکت در پیاده‌روی اربعین

نوع مشارکت	عرصه شناخته‌شده در اربعین برای این نوع مشارکت
همیاری / خودیاری / دگریاری	- همیاری موکب‌ها با یکدیگر - خودیاری هر زائر یا خادم در نیل به هدفی متعالی - دگریاری خادمین به زوار
داوطلبانه / اجباری	- مشارکت داوطلبانه در کل مناسک (اعم از خادم و زائر)
آنی / هدایت شده	- مشارکت خودابنکار خادمین به سبب فقدان طرح از پیش معلوم مشارکت
ساده / پیچیده	- مشارکت ساده زوار و خادمین خرد - مشارکت تاحدودی پیچیده و تقسیم کار شده موکب‌داران بزرگ
مستقیم / غیرمستقیم	- مشارکت مستقیم موکب داران و زوار - مشارکت غیرمستقیم سازمان‌های دولتی (نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی و بهداشتی و ...)
مشاع / مفروز	- مشارکت غیرمستقیم حامیان مالی خدمات موکب‌ها
قراردادی / سنتی	- مشارکت مشاع خادمین، مشارکت مفروز در کل آئین
همتراز / فرویاری / افراياری	- مشارکت سنتی موکب‌داران با کمک‌های نهادهای سنتی عشیره و هیئت
مستمر / مقطعی / تصادفی	- مشارکت همتراز در موکب‌داران و زوار - مشارکت مستمر موکب‌داران، زائران پیاده و ...

از آنجا که پیاده‌روی اربعین بریده‌ای کامل از زندگی روزمره است و همه ابعاد و وجوه یک زندگی را پوشش می‌دهد، پهنه وسیعی از ساحت‌ها و عرصه‌های امداد و خدمت‌رسانی در این آئین وجود دارد. اما نکته حائز اهمیت آن است که در فرایند خدمت، خدمت‌رسان فاصله‌ای میان خود و گیرنده خدمت احساس نمی‌کند و از فاصله میان یاری‌کننده و

۱. آتش به اختیار





یاری‌پذیر منزلت‌جویی نمی‌کند. این موضوع پیش از این تا اندازه‌ای در توضیح دگر یاری هم‌تراز مطرح شد. اما این هم‌ترازی برخلاف عرصه‌های دیگر یاری‌گری نه از آن جهت است که یاری‌کننده و یاری‌پذیر در یک طبقه و موقعیت اجتماعی واحد قرار دارند، بلکه به جهت معنا و تصویری است که یاری‌دهنده از کنش خود در ذهن دارد. در این معنا، کنشگر از فرط احساس غنی بودن، خدمت‌رسان نیست بلکه سائلی است که رزق معنوی خود را به واسطه تکریم یاری‌پذیر و در گرو اجابت خواسته‌ها و رفع نیازهایش می‌پندارد و به عبارتی، یاری‌پذیر را واسطه نعمت تلقی می‌کند. از سوی دیگر، در یاری‌پذیر نیز رنگ‌وبویی از امدادجویی دیده نمی‌شود، بلکه او خود رنج و سختی این سفر را برگزیده است؛ اما نه از سر جبر فرهنگی و محیطی یا در اثر محرومیت اقتصادی و اجتماعی؛ بلکه در مسیر زهدی فعال و عقلانی برای شدنی تازه از طریق تقویت توان روحی و نمایش ارادت و همراهی و همدردی با مظلومین واقعه تاریخی کربلا تا مگر به زائری شایسته‌تر برای زیارت مکانی مقدس مبدل شود و یا کنشگری مهیتر برای دادخواهی از ظلم تاریخی به شیعیان و برپایی حکومت جهانی مستضعفین عالم.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش، از روش کیفی و تکنیک مصاحبه بهره گرفته شد. نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌ها به صورت هدفمند از میان موکب‌داران و خادمین ایرانی صورت گرفت که بیشترین سطح و حوزه درگیری را دارند و تقریباً بستر برقراری ارتباط با همه انواع مشارکت را دارا می‌باشند. در کل ۱۷ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کسانی که در پیاده‌روی اربعین، تجربه‌ای فراتر از زائر صرف را داشته‌اند انجام شد که ویژگی‌های آنها در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است. همچنین سعی شده تنوع موکب‌هایی که خادمین در آنها مشغول به خدمت بوده‌اند نیز رعایت شود و بر این اساس یک موکب صرفاً درمانی، یک موکب ایرانی-عراقی، یک موکب دانشجویی، یک موکب با مسئولیت و مجوز یک خانم، یک موکب صرفاً رسانه‌ای و فرهنگی مورد توجه قرار گرفتند.

جدول شماره (۲). سیمای مصاحبه‌شونده‌ها

تعداد کل مصاحبه‌شونده‌ها		۱۷ نفر
جنسیت	زن	۵ نفر
	مرد	۱۲ نفر
سن	جوان (۱۸ تا ۳۵ سال)	۷ نفر
	میانسال (۳۵ تا ۵۰ سال)	۴ نفر
	پیر (۵۰ سال به بالا)	۶ نفر
تحصیلات	دانشگاهی	۸ نفر
	حوزوی	۳ نفر
	دیپلم و زیر دی‌پلم	۶ نفر
محل سکونت	تهران	۱۱ نفر
	شهرستان‌های دیگر	۶ نفر



برای تحلیل مصاحبه‌ها از ترکیب روش‌های «تحلیل مضمون» و «نمونه‌سازی آرمانی» استفاده شد. نمونه آرمانی یا تیپ ایدئال، الگویی مفهومی است که روابط و حوادث خاص زندگی اجتماعی-تاریخی را با ساختن یک کل منطقی، در یک مجموعه در کنار هم قرار می‌دهد که با آن می‌توان واقعیت اجتماعی را بهتر مطالعه کرد و به درک جامع‌تری در خصوص آن دست یافت. وبر در این باره می‌گوید: «یک نمونه آرمانی از تشدید یک‌سویه یک یا چند دیدگاه و با به‌هم‌پیوستن تعدادی پدیده‌های مجزا و پراکنده به‌دست می‌آید که گاهی فراوان یافت می‌شود و گاه کمیابند و برحسب دیدگاه‌های یک‌سویه پیشین، انتخاب و مرتب شده‌اند تا یک تابلوی فکری همگن بسازند» (ژولین، ۱۳۸۳، ۵۶ و ۵۷). عناصر نمونه آرمانی از واقعیت‌های موجود در تاریخ و جامعه اقتباس می‌شود و آرمانی بودن این بنای مفهومی از آن‌روست که بیان‌کننده نوعی عقلانی‌کردن آرمانی است که هرگز در کیفیت ناپس در واقعیت تجربی و ملموس دیده نمی‌شود و یا بسیار به‌ندرت دیده می‌شود (همان، ۵۹).

مصاحبه‌ها دربرگیرنده سه محور اصلی بود: (۱) اطلاعات مقدماتی و میزان تطابق با جریان اصلی مشارکت؛ (۲) تجربه موکب‌داری؛ و (۳) تجربه پیاده‌روی. در کدگذاری مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA10 ابتدا واحدهای معنایی مرتبط از متن مصاحبه جداسازی شده و سپس طی سه مرحله کدگذاری و پیشروی در سطح انتزاع در جداولی مانند جدول شماره (۳) درج شد.

جدول شماره (۳). نمونه کدگذاری مصاحبه‌ها

شروع	پایان	واحد معنایی	کد مرحله ۱	کد مرحله ۲	کد مرحله ۳
۰۳:۲۶	۰۳:۴۰	از سال ۱۳۹۱ دیگه اربعین جزء برنامه زندگی مان شده	سطح درگیری بالا	میزان مشارکت	اطلاعات زمینه‌ای
۵۵:۱۷	۵۵:۳۴	زائر خدماتی رو می‌گیره اما ما کار خودمون رو می‌کنیم و احساس می‌کنیم چیزی به ما اضافه شد	هم زائر خدمات می‌گیره و هم خادم چیزی بهش اضافه میشه	خودیاری تلفیق شده با دگرپاری	گونه مشارکت

۶. تحلیل یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه با موکب‌داران و خادمین موکب‌ها به تفکیک ساحت و گونه مشارکت ارائه می‌گردد.

۱-۶. ساحت مشارکت

اغلب خادمین موکب‌ها دارای تجربه کنشگری فعال در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی دیگر چون هیئت‌های مذهبی، اردوی راهیان نور، اردوهای جهادی و یا انجمن‌های خیریه هم بودند. این افراد غالباً مشارکت در مراسم پیاده‌روی اربعین را نیز در ساحت‌ها و حوزه‌های متعددی تجربه کرده بودند که در جدول شماره (۴) به صورت خلاصه به آنها پرداخته‌ایم.

جدول شماره (۴). ساحت‌های مشارکت

ساحت مشارکت	موتور	
	کدام	چگونه
اسکان	کلان	موکب اسکان
	میان	در اختیار گذاشتن مبیّت
تغذیه	خرد	جایگاه استراحت بین‌راهی
	کلان	پخش روزانه غذا
راهنمایی زائر	خرد	پخش چند وعده غذایی محدود یا میان‌وعده
	کلان	- راهنمایی گمشدگان، جایابی در موکب، هدایت کاروان
بهداشت مسیر	کلان	- ماساژ، واکس، خیاطی، تعمیر چرخ و ...
	خرد	- جمع‌آوری زباله (جای پای یار)
فرهنگی از خلال درمان	کلان	- خدمات دهی به سکنه عراقی
	خرد	- موکب با خادمین از ملل مختلف
درمان	کلان	- موکب درمانی
	خرد	- پزشک سیار (طیب‌الدوار)



فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۱۳۲

دوره ۱۳، شماره ۲
تابستان ۱۳۹۹
پیاپی ۵۰

فرهنگی خرد	<p>- گفت‌وگوی فرد به فرد با عراقی‌ها؛</p> <p>- صدور انقلاب با تقویت بعد ایدئولوژیک (راهپیمایی شدن، استفاده از تصاویر شهدای مدافع حرم و نمایشگاه‌های بین‌راهی)؛</p> <p>- هدیه به کودکان عراقی؛</p> <p>- تولید نمادهای واقعه عاشورا (گهواره، مجسمه و...)</p> <p>- تولید نمادهای وحدت بخش یا هویت بخش (آویز کوله، پرچم)؛</p> <p>- طرح‌های ختم قرآن؛</p>
فرهنگی کلان	<p>- موبک رسانه؛</p> <p>- موبک فرهنگی (نهج البلاغه)؛</p>
فنی	- تأسیسات برق و لوله کشی
تسهیلات	- مجوز موبک (ستاد بازسازی عتبات)، کمک مالی
زیرساخت‌ها	- ستاد اربعین (با کمک کمیته‌های مرتبط)



همان‌طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود ساحت‌های مشارکتی در پیاده‌روی اربعین را می‌توان در ۱۰ عنوان خلاصه کرد: (۱) اسکان؛ (۲) تغذیه؛ (۳) راهنمایی زائر؛ (۴) کمک‌رسانی موردی به زائر؛ (۵) بهداشت مسیر؛ (۶) فرهنگی؛ (۷) درمان؛ (۸) فنی؛ (۹) تسهیلات؛ و (۱۰) زیرساخت‌ها. اما برخی از ساحت‌های مشارکت دارای سطوح کلان و خرد و گاه میانه هستند که در ادامه توضیحاتی در این خصوص خواهیم آورد. لازم به ذکر است خرد، میانه و کلان در این تقسیم‌بندی به حسب اندازه خدمت ارائه‌شده به زائر است. به این معنا که گاهی اندازه ارائه خدمت در حدی است که به مجموعه بزرگ و قابل توجهی از افراد برای خدمت‌رسانی نیاز است که در این صورت ساحت مشارکت کلان ارزیابی شده است. اما گاهی با تعداد افراد محدود و چه‌بسا تلاش یک نفر، خدمت‌رسانی در شکل مطلوبش اتفاق می‌افتد که آنگاه در ساحت مشارکت میانه یا خرد جایگذاری شده است.

در سطح کلان اسکان می‌توان به فعالیت موبک‌داران هم از نوع بومی و هم غیربومی اشاره کرد اما در سطح میانه اسکان، در اختیار قرار دادن منزل مسکونی شخصی به زائر (مبیت) قابل ذکر است. سطح خرد اسکان نیز استراحتگاه‌های کوچک بین‌راهی را دربرمی‌گیرد که به شکل‌های مختلفی برای زائر مهیا شده است، از یک صندلی پلاستیکی ناچیز در حاشیه مسیر گرفته تا چادرهای ساده و فاقد امکانات و شرایط لازم برای اسکان طولانی‌مدت. در سطح



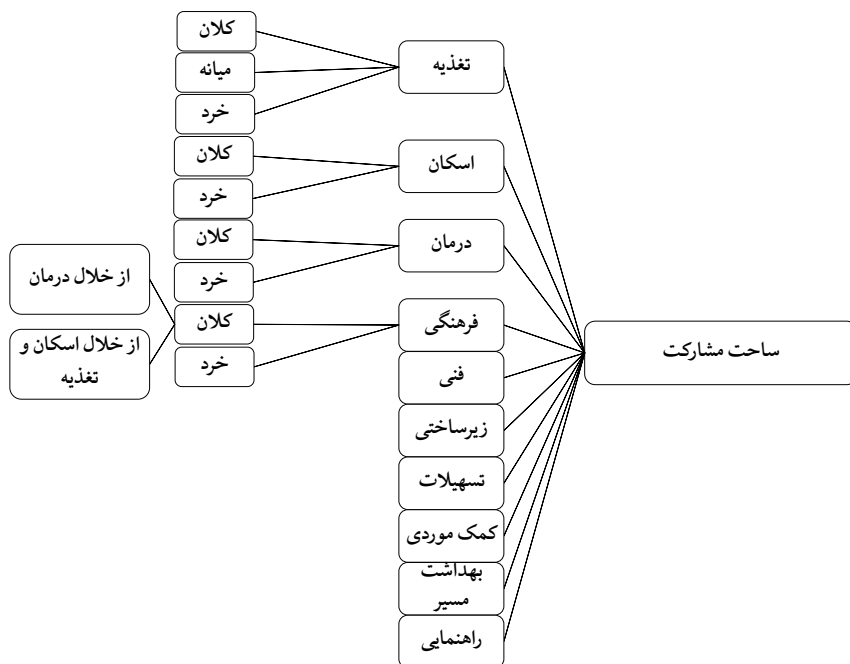
کلان تغذیه می‌توان به موکب‌هایی اشاره کرد که برنامه پخش غذای روزانه با حجم بالا دارند و در سطح خرد هم موکب‌ها و هم شهروندان بومی که اقدام به پخش غذا در وعده‌ها و حجم محدود می‌کنند، قابل ذکر است. در بخش درمان در سطح کلان، می‌توان به موکب‌هایی اشاره کرد که اختصاصاً به خدمت درمانی و پزشکی می‌پردازند و در سطح خرد همه انواع خدمات درمانی که به صورت محدود در موکب‌های مختلف عرضه می‌شود و یا زائرین پزشک، پرستار یا مامایی که به صورت سیال و در حین حرکت در طول مسیر با نصب نشانه‌های مخصوص بر روی کوله‌هایشان (طیب‌الدوار) این نوع خدمت را به عهده گرفته‌اند را دربرمی‌گیرد.

در ساحت فرهنگی مشارکت در دو سطح خرد و کلان، انواع مختلف فعالیت و کنشگری شایان ذکر است که از جمله آنها در سطح خرد، گفت‌وگوهای هدفمندی است که افراد به صورت فردبه‌فرد و چهره‌به‌چهره با عراقی‌ها با هدف اثرگذاری فرهنگی و روشنگری پیش می‌گیرند. تلاش برای تقویت بعد ایدئولوژیک پیاده‌روی و تبدیل آن به راهپیمایی برای گسترش پیام‌های انقلاب اسلامی و صدور آن به ملل اسلامی دیگر، نصب تصاویر شهدای مدافع حرم در طول مسیر، تدارک هدیه برای کودکان عراقی با هدف افزایش انس و الفت بین فرهنگی، تهیه محصولات نمادین و نمادهای یادآوری‌کننده واقعه عاشورا مانند گهواره حضرت علی‌اصغر(ع)، مجسمه رأس‌الحسین(ع) و... تولید نمادهای وحدت‌بخش یا هوبت‌بخش مانند آویزها و پرچم‌هایی حامل شعارهای مختلف و در نسبت با آموزه‌های دینی از جمله انتظار فرج نصب‌شده بر کوله‌ها و تجهیزات زائرین و همچنین طرح‌های ختم قرآن در موکب‌ها. به‌علاوه، برخی از موکب‌های نیز از خلال فعالیت درمانی و یا تغذیه و اسکان به صورت ضمنی نقش فرهنگی ایفاء کرده و به تأثیرگذاری فرهنگی توجه دارند و این امر را به صورت غیرمستقیم (برای نمونه با بهره‌گیری از خادمینی از ملل مختلف) دنبال می‌کنند.

در سطح کلان از سویی می‌توان به تأسیس موکب‌هایی اشاره کرد که اختصاص به فعالیت فرهنگی خاصی دارند از جمله انتشار رسانه‌ای زوایای مختلف مراسم و یا نشر معارف دینی همچون حوزه‌تعالیم نهج‌البلاغه. از سوی دیگر، می‌توان از موکب‌هایی نام برد که برنامه فرهنگی از جمله سخنرانی هدفمند و با برنامه‌ریزی مشخص و یا میزهای گفت‌وگو را در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند که تعداد این نوع مواکب در طول مسیر خیلی محدود است.

به جز چهار ساحت اشاره شده، کنشگران دیگری نیز در این مراسم هستند که به راهنمایی و یا کمک به زائرین در موبک‌ها برای جایابی مناسب در محل اسکان یا در طول مسیر برای یافتن گمشدگان خود می‌پردازند و یا به صورت خودجوش به موبک‌ها در تعمیر و بهسازی تأسیسات فنی کمک می‌رسانند. گروهی از زوار که غالباً از طیف طلاب حوزه‌های علمیه هستند با تأسیس موبک سیالی با عنوان (جای پای یار)، مسئولیت بهداشت و نظافت مسیر پیاده‌روی را بر عهده گرفته‌اند. گروه‌هایی از زائرین و خادمین و یا بومیان ساکن منطقه نیز متناسب با توان و مهارت و امکانات خود اقدام به کمک‌های موردی با دیگر زائرین می‌کنند از تعمیر کالسکه و کوله گرفته تا واکس کفش و ماساژ و حتی حمل داوطلبانه وسایل همراه زائرین. در این میان ستاد اربعین و ستاد بازسازی عتبات هم با مهیاسازی زیرساخت‌ها و فراهم آوردن پاره‌ای تسهیلات در برپایی موبک‌ها به برگزاری بهتر مراسم یاری می‌رسانند.

آنچه در بالا در خصوص ساحت‌های مشارکت شرح داده شد را می‌توان به صورت اجمالی و در قالب ترسیم شاخه‌ای به صورت نمودار شماره (۲) نمایش داد.



نمودار شماره (۲). ساحت‌های مشارکت



۶-۲. گونه‌های مشارکت

معانی و ویژگی‌های برآمده از گفت‌وگوهای شکل گرفته در مصاحبه با موکب‌داران و خادمین ایرانی موکب‌ها در نسبت با مقوله گونه مشارکت به صورت خلاصه در جدول زیر قابل مشاهده است و در ادامه به تفصیل شرح داده خواهد شد.

جدول شماره (۵). گونه‌های مشارکت

فرارونده از مرز یاریگر و یاری‌پذیر	عدم وجود فاصله بین خادم و زائر، خادم و زائر هر دو در یک جبهه، عدم وابستگی هویت خادم به وجود زائر، هر خادم خود زائر است و بالعکس
	تأسیس موکب با هدف تقویت نقش‌آفرینی مردم
	یاریگری عاشقانه، تقلائی راهی برای دگر یاری
	ترک مسئولیت تعریف شده برای رفع نیازی خطرتر، مشارکت در خدمت به جهت احساس نقص در خدمات درمانی میزبان
	تلاش برای تشخیص مهمترین نیاز و دغدغه زائر
	تعریف خودجوش فعالیت: بازدید از تأسیسات آب، طبیب‌الدوار، بازی برای کودک
تعاملی	بهره‌برداری از ظرفیت بوم و بومیان منطقه
	تلاش برای تطبیق خدمت با فرهنگ غیربومیان
	امکان کار بدون مجوز ستاد، ناتوانی در تأمین مناسب زیرساخت و تسهیلات، بی‌توجهی به هم‌افزایی با مجموعه‌های مردمی، اکتفا به بازدید به جای ارتباط مؤثر، فقدان برنامه‌ریزی کافی فراموکی، استفاده غالباً یک‌طرفه حاکمیت عراق از امکانات پزشکی موکب ایرانی، تعطیلی یک‌ماهه عراق
	عدم تناسب فعالیت مجموعه حاکمیتی با فضای فعالیت اربعین، شرط تسهیلات ستاد برای موکب‌ها داشتن مقدار مشخصی خروجی (خروجی محور)، نگرش منفی نسبت به موکب‌های شهرداری، استفاده اماکن مقدسه از خادمین سازمانی
	کمک موکب‌های ایرانی به یکدیگر
	تشکیل موکب مشترک عراقی-ایرانی با سهم هزینه برابر و گاه نابرابر
همترازانه	قراردادن عراقی‌ها جلوی کار (توزیع غذا) به‌رغم تجهیزات و تخصص بیشتر، حمل‌ونقل رایگان تجهیزات موکب، انجام کار تعریف نشده به‌صورت پنهانی، مشارکت مالی در قالب نام قبیله و نه فرد
	پدیرش بی‌چون‌وچرای تصمیم مشارکت‌کننده بومی با وجود آگاهی به وجود خسران، یادگیری از فرهنگ بومی
	تقسیم مسئولیت‌های اسمی و شناور
	کمک آنی خادمین موکب، زائرین و سکنه بومی به همدیگر
	خدمت برای تقرب در ضمن کمک به زائر
	هم زائر خدمات می‌گیره و هم خادم چیزی بهش اضافه میشه
مبتنی بر گمنامی	فرارونده از مرز یاریگر و یاری‌پذیر
	مبتنی بر کنش عاطفی
	تکلیف محور
	خودابتکار
	تعاملی
	همترازانه
تلفیقی	فرارونده از مرز یاریگر و یاری‌پذیر
	مبتنی بر کنش عاطفی
	تکلیف محور
	خودابتکار
	تعاملی
	همترازانه



فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۱۳۶

دوره ۱۳، شماره ۲
تابستان ۱۳۹۹
پیاپی ۵۰

۶-۲-۱. دگریاری

یکی از پیامدهای گونه خاص مشارکت جمعی شکل گرفته در پیاده روی اربعین، نوعی دگریاری فرارونده از مرز یاریگر و یاری پذیر، مبتنی بر کنش عاطفی، تکلیف محور و خودابتکار است. بدین معنا که در این نوع دگریاری، برخلاف شکل رایج هیچ نوع برجستگی، تمایز، شکاف و فاصله ای میان یاریگر و یاری پذیر احساس نمی شود. هر زائر، خود یک خادم است و هر خادمی خود را زائر نیز قلمداد می کند:

ما اول زائر هستیم و بعد می ریم در موکب خدمت می کنیم (ح. پ. ۳۶ ساله)

در واقع یاریگر و یاری پذیر هر دو هویت خود را از امری فراتر از حوزه کنش می گیرند و هیچ نوع وابستگی هویتی و یا منزلتی به کنش و فرایند آن ندارند:

نه خدمت به خودمونه و نه خدمت به زائر. همه چیز برای امام حسین (ع) (و. ۴۰ سال)

گویی مرز موجود میان دوگانه یاریگر/یاری پذیر فرو می ریزد و نوعی یاریگری از سر عشق و دلدادگی و احساس تکلیف شکل می گیرد که طی آن یاریگر در جست و جو و تقلا ی مداوم برای فهم نیاز زائر و یافتن راهی برای رفع آن و نقش آفرینی بیشتر است، چرا که این امر را توفیق و سعادت برای خود قلمداد می کند:

در حقیقت این خدمت موجب تعالی خودمون می شه، ما هم که نباشیم اینقدر آدم هست که به زائر کمک کنه (ح. پ. ۳۶ ساله)

موکب داران خدمت رو وظیفه می دانند... حاج اسماعیل دولابی می گه خدمت به زائر سیدالشهداء از خدمت به اباعبدالله بالاتره (م. س، ۳۵ ساله).

۶-۲-۲. همیاری

همیاری شکل گرفته در پیاده روی اربعین که بیشتر در ارتباط میان موکب ها با هم و یا خادمین یک موکب با هم نمود دارد، نوعی همیاری ساده، تعاملی و همترازانه است که مبتنی بر اصالت بخشی به بومیان فرهنگ بومی و ترویج گمنامی پیش می رود و حاکمیت در آن، سهم کمرنگ و ناهمگرایی ایفا می کند. در این نوع همیاری، تقسیم مسئولیت ها حالت اسمی و شناور داشته و هیچ سلسله مراتبی از قدرت و منزلت و یا فراگرد سهم بری،



نماینده‌گی و یا حمایت نمی‌شود؛ بنابراین، این امکان را به کنشگر در فضایی هم‌ترازانه و برابر (از جهت سرمایه معنوی و نه سرمایه مادی) می‌دهد که به صورت آنی در مورد شیوه همکاری تصمیم گرفته و اقدام کند:

توابعین خلوص خادمین بیشتر از هیئت‌هاست. به خادمی تو موکب ما بود کارهای تعریف‌نشده ولی لازم رو خودش انجام می‌داد و نمی‌خواست دیده شود (م.م. ۳۵ ساله).

در توضیح بیشتر ویژگی‌های مرور شده باید گفت در همیاری شکل گرفته هم شاهد تلاش برای بهره‌برداری از ظرفیت بوم و بومیان منطقه هستیم و هم بومیان تلاش دارند خدمت خود را با فرهنگ غیربومیان و زائرین مهمان تطبیق دهند. مشارکت‌کننده غیربومی هم اشتیاق زیادی به یادگیری از فرهنگ بومی دارد و هم احترام زیادی برای مشارکت‌کننده غیربومی قائل است؛ تا جایی که با وجود آگاهی به اشتباه در روش انجام و یا وجود پیامدهای خسران‌آور تصمیم او را بی‌چون و چرا می‌پذیرد:

اینو از عراقی‌ها یاد گرفتیم که سرت رو بنداز پائین و کارتو بکن و طلب‌کار نباش و خاضع باش... تصمیم گرفتیم که تابع عراقی‌ها باشیم و هر چی اونها می‌گن ما گوش بدیم. اگه حتی می‌دونستیم کاری که می‌کنن اشتباهه، چشم می‌گفتیم (ش. ۴۵ ساله).

در این میان هم حاکمان جوامع میهمان و هم حاکمیت جامعه میزبان در فراهم کردن برخی زیرساخت‌ها و تسهیلات نقش کم‌رنگی ایفا می‌کنند که آن هم به دلیل عدم توجه به هم‌افزایی با مجموعه‌های مردمی و پوشش نقش‌های زمین‌مانده‌ای که نیاز به فعالیت و برنامه‌ریزی فراموکی دارد، با عدم رضایت از سوی سایر کنشگران همراه است. به علاوه، به دلیل تمرکز بر ارزیابی خروجی محور از همگرایی و تناسب لازم با فضای حاکم بر همیاری از جمله تلاش بر گمنامی برخوردار نیست:

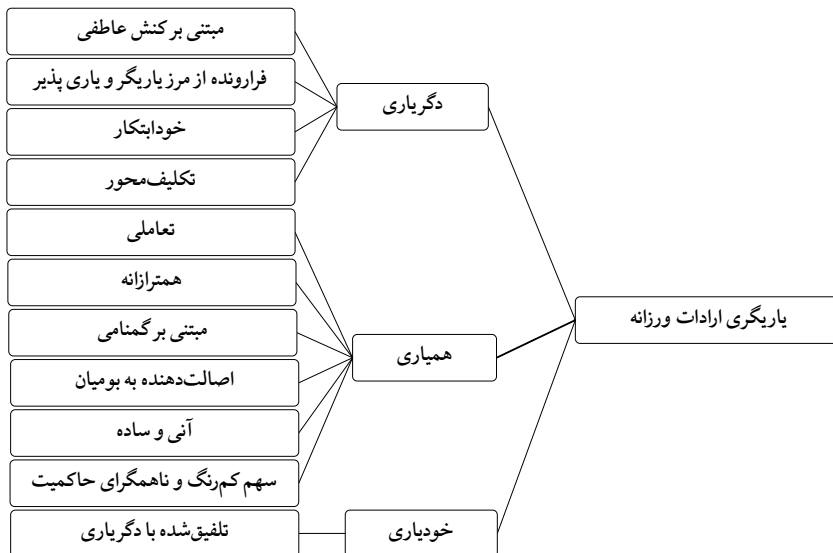
ستاد اربعین ایران اعلام می‌کنه که اینقدر باید خروجی بدید. اما غیر از نیروی انتظامی در مرز، بقیه حتی تسهیل‌گری هم نمی‌کنن... در مقابل مجموعه‌های مردمی که خدمات درمانی می‌دهند، مجموعه هلال احمر هیچ‌کاری نمی‌کنه، درحالی‌که بخشی از پول بیمه به اینا پرداخت می‌شه (ق. ۵۰ ساله).



۶-۲-۳. خودیاری

آنچه در چارچوب مفهومی اشاره شد، در گفت‌وگو با خادمین موبک‌ها هم تأیید شد که همه گونه‌های یاریگری در مراسم پیاده‌روی اربعین خود در بردارنده گونه‌ای خودیاری هستند: قدم برداشتن در این مسیر اول خدمت به خود است چه زائر باشید و چه خادم (ح. ب، ۳۷ ساله)

در واقع، می‌توان از نوعی یاریگری تلفیقی یاد کرد که محور جذب سرمایه چه در لایه مادی و چه در لایه معنوی دوسویه است؛ یعنی همواره هم یاریگر و یاری‌دهنده در حال جمع‌آوری سرمایه هستند و هیچ کم‌شدن و یا از دست‌دانی وجود ندارد. حاصل جمع سرمایه‌ها نیز معطوف به گونه‌ای شدن و نه داشتن است (تقرب به وجود قدسی). آنچه در بالا در خصوص گونه‌های مشارکت شرح داده شد را می‌توان به صورت اجمالی و در قالب ترسیم شاخه‌ای به صورت نمودار شماره (۳) خلاصه کرد.



نمودار شماره (۳). گونه‌های مشارکت

۷. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد طی بررسی‌ای کیفی و ضمن تفکیک جریان اصلی مشارکت اربعین از جریان‌های فرعی و حاشیه‌ای، انواع و ساحت‌های مشارکت جمعی بررسی و معرفی شود. مبتنی بر یافته‌های این مقاله می‌توان اذعان داشت هر چند زیارت با پای پیاده، بزرگداشتی است که از گذشته در ادیان مختلف بوده و اختصاص به زمان خاصی ندارد و مسیرهای پیاده‌روی به قصد زیارت در ادیان و آئین‌ها وجود دارد. از جمله مهمترین آنها «کامینو د سانتیاگو» شبکه‌ای از راه‌هایی به سمت کلیسایی در شهر «سانتیاگو د کمپوستلا» در شمال غربی اسپانیا است. از موارد دیگر می‌توان به فاطیما در پرتغال، سن پاتریک در ایرلند، کویاسان در ژاپن، مسیر معابد ۸۸ گانه جزیره شیکوگو، ویفرانسیجنا در فرانسه، و بانوی گوادالوپ در مکزیک اشاره کرد؛ اما مشارکت در آنها حائز ویژگی‌های لازم مشارکت جمعی نیست. در آئین پیاده‌روی اربعین به‌رغم تفاوت فرهنگی-اجتماعی غیرقابل چشم‌پوشی و گسترده در مشارکت‌کنندگان، مشارکت به‌صورت یکپارچه و در قالب کنشی جمعی با نظم درونی، هویت جمعی و سطح بالای همبستگی اجتماعی اتفاق می‌افتد. همبستگی‌ای که خارج از دوگانه مشهور دورکیمی مکانیک-ارگانیک به نظر می‌رسد. زیرا نه مکانیکی و مبتنی بر سادگی و مشابهت اجتماعی و نه ارگانیکی و مبتنی بر پیچیدگی و نیاز کارکردی واحدهای مختلف ارگانیسم به یکدیگر است. دلایل انسجام اجتماعی و معنایی در مشارکت‌ها که پیوند میان کنشگران را سبب شده و به آنها هویت جمعی می‌بخشد، ریشه‌دار و عمیق است و به سادگی در دسترس نیست. تنها با انتزاع از واقعیت در فرایند گذر از فرم و رسیدن به معنا ممکن است و باید به سراغ معنای کنش نزد مشارکت‌کننده رفته و معانی مشترکی که هویت جمعی را بنیان می‌دهد، را شناخت تا اثرپذیری و ارتباط قوی هویت جمعی با لایه‌های بنیادین فرهنگ دینی آشکار شود. پرداخت صحیح به این موضوع در گرو فهم ابعادی از دینداری شیعیان به‌ویژه جایگاه حب‌الحسین (ع) و شیوه‌های ابراز آن در فرهنگ شیعی و اسوه‌ها و سرمایه نمادین عاشورایی و مهدوی است که زندگی امروزه جامعه شیعیان را با وقایع رخ داده در چند قرن پیش ارتباط می‌دهد و باید در پژوهش دیگری به دقت بررسی شود.



فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۱۴۰

دوره ۱۳، شماره ۲

تابستان ۱۳۹۹

پیاپی ۵۰

نکته دیگر آنکه مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین سازنده جامعه‌ای کوچک با نظم اخلاقی متفاوتی است که گونه‌های مختلف مشارکت را درمی‌نورد و گونه جدیدی را معرفی می‌کند. در این گونه هدف غایی فرد از مشارکت بیرون از او قرار ندارد و از این جهت به خودیاری شباهت دارد؛ اما مشارکت جمعی، اهداف میانی بیرون از فرد را نیز شامل می‌شود. در واقع ما در همکاری شکل گرفته در اربعین شاهد هدف همکاری خارج از فرد یاری‌دهنده نیز هستیم و از این جهت با دگریاری شباهت دارد. اما دگریاری نیز در معنای معمول و رایج آن اتفاق نمی‌افتد زیرا هدف همکاری دیگری هم وجود دارد که یک وجود انسانی نیست؛ بلکه یک وجود قدسی و مجموعه‌ی انگاره‌ها و باورهای قدسی است که پیرامون رویداد و حادثه‌ای تاریخی منسوب به وی شکل گرفته است. به علاوه سودجویی و توجه به منافع و یا احساس ترحم نسبت به یاری‌پذیر در آن هیچ نقشی ایفا نمی‌کند، بلکه با نوعی کنش عاطفی و دل‌سپردگی حاد و مفرط مواجه هستیم. بنابراین، شایسته است واژه جدیدی برای اشاره به آن برگزینیم که واژه و مفهوم منتخب ما «یاریگری ارادت‌ورزانه» است. در واقع پدیده پیاده‌روی اربعین گونه‌ی جدیدی از مشارکت و یاریگری را به ما عرضه می‌دارد که هدف همکاری در آن بیرون از دوگانه خود و دیگری است و در خور توجه و تأمل بیشتر است. این گونه یاریگری خود به بستری برای انواع سه‌گانه خودیاری، دگریاری و همیاری تبدیل می‌شود که این سه‌گونه به سبب قرار گرفتن ذیل آن، معنا و خصایص تازه و متمایزی به خود می‌گیرند.



منابع

- اخشی، نازیلا؛ و گلایبی، فاطمه (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۳)، ۱۶۰-۱۳۹.
- انصاری، حمید (۱۳۹۳). مبانی تعاون. تهران: دانشگاه پیام نور.
- انگوتی، زینب (۱۳۹۶). چگونگی و دلایل حضور و مشارکت زنان ایرانی در پیاده‌روی اربعین، گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده غیردولتی و غیرانتفاعی رفاه، تهران، ایران.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۹۷). خیر ایرانی-خیر عراقی؛ مقایسه الگوی فعالیت‌های خیر دینی ایرانیان و عراقیان در آئین پیاده‌روی اربعین. دومین همایش ملی خیر ماندگار، ۱۰ و ۱۱ دی ماه، تهران، ایران.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۹۷). سنخ‌شناسی زائران اربعین. تهران: به صورت شخصی انجام و منتشر شده است.
- رضوی‌زاده، ندا (۱۳۹۶). ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده‌روی ایرانی در عراق. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۶(۴)، ۶۳۱-۵۹۵.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۱). نقد آراء در تعاریف و نظریه‌های گونه‌شناسی یاریگری، نامه انسان‌شناسی، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۲۲.
- فروند، ژولین (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی ماکس وبر (مترجم: عبدالحسین نیک‌گوهر). تهران: نشر توتیا.
- کوزر، لوئیس (۱۳۹۲). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: علمی.
- محسنی، منوچهر؛ و جلال‌اللهی، عذرا (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران. تهران: آرون.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. رفاه اجتماعی، ۶(۲۳)، ۶۷-۹۲.
- یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. رفاه اجتماعی، ۷(۲۶)، ۱۰۵-۱۳۰.
- Drury, J., & Reicher, S. (2000). Collective action and psychological change: The emergence of new social identities. *British Journal of Social Psychology*, 39(4), 579-604. doi:10.1348/014466600164642
- Drury, J., & Reicher, S. (2005). Explaining enduring empowerment: a comparative study of collective action and psychological outcomes. *European Journal of Social Psychology*, 35(1), 35-58. doi: 10.1002/ejsp.231
- Neville, F., & Reicher, S. (2011). The experience of collective participation: shared identity, relatedness and emotionality. *Contemporary Social Science*, 6(3), 377-396. doi:10.1080/21582041.2012.627277



- Reicher, S. (2011). Mass action and mundane reality: an argument for putting crowd analysis at the centre of the social sciences. *Contemporary Social Science*, 6(3), 433–449. doi:10.1080/21582041.2011.619347
- Reicher, S., & Haslam, S. A. (2009). Beyond Help. *The Psychology of Prosocial Behavior*, 289–309. doi:10.1002/9781444307948.ch15
- Sills, D. L. (1972). *International encyclopedia of the social sciences*. New York: The Macmillan Co. & the Free Press.
- Tajfel, H., & Turner, J. C. (2004). The Social Identity Theory of Intergroup Behavior. *Political Psychology*, 276–293. doi:10.4324/9780203505984-16
- Van Zomeren, M., Spears, R., Fischer, A. H., & Leach, C. W. (2004). Put Your Money Where Your Mouth Is! Explaining Collective Action Tendencies Through Group-Based Anger and Group Efficacy. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(5), 649–664. doi:10.1037/0022-3514.87.5.649
- Willer, D., Turner, J. C., Hogg, M. A., Oakes, P. J., Reicher, S. D., & Wetherell, M. S. (1989). Rediscovering the Social Group: A Self-Categorization Theory. *Contemporary Sociology*, 18(4), 645. doi:10.2307/2073157

